

«ایران» **الگوهای نقد** در تحلیل عملکرد تیم‌های جام جهانی ۲۰۲۶ را بررسی می کند

ضرورت یک رسالت رسانه‌ای

سینا حسینی / فوتبال به عنوان یک رشته مهیج ورزشی، همواره مورد علاقه مردم در سراسر جهان بوده است. فراگیری این رشته، آن را با میلیاردها علاقه‌مند در تمام نقاط جهان به پدیده‌ای جهانی تبدیل کرده است؛ تا جایی که در عصر معاصر، تحلیلگران و صاحب‌نظران اجتماعی، این ورزش را یکی از تأثیرگذارترین پدیده‌ها در حوزه‌های مختلف قلمداد می‌کنند. مسابقات فوتبال، چه در سطح باشگاهی و چه در عرصه ملی، از چنان اهمیتی برخوردار بوده و هستند که برنامه‌سازان رسانه‌ای با درک جایگاه این حوزه، به تولید میلیون‌ها ساعت برنامه ورزشی برای تحلیل و واکاوی اتفاقات آن پرداخته‌اند؛ تلاشی که با هدف آگاه‌سازی مخاطبان پرشمار این رشته مهیج صورت می‌گیرد تا در جریان تمامی رویدادهای مرتبط قرار گیرند.

از اختلاف تا جذابیت

همانند سایر حوزه‌ها، در این عرصه نیز مخالفان و موافقان بسیاری حضور دارند که با اتکا به دانش و داده‌های اطلاعاتی خود، به نقد و بررسی چالش‌های موجود می‌پردازند؛ روندی که خود به افزایش جذابیت و هیجان حاکم بر فضای این رشته پرمخاطب کمک کرده است. آمار و داده‌های ثبت‌شده توسط متخصصان و نهادهای بین‌المللی معتبر نیز نشان می‌دهد برنامه‌های رسانه‌ای تولیدشده در حوزه فوتبال، در زمره پربیننده‌ترین تولیدات چندرسانه‌ای قرار دارند و از این رو، تأثیرگذاری آنها بر افکار عمومی، بویژه نسل جوان، اهمیتی دوچندان یافته است.

صراحت: رمز موفقیت

نکته کلیدی در جذابیت این برنامه‌ها، صراحت کلام و نقد منطقی معادلات حاکم بر فوتبال است. بر همین اساس، تولیدکنندگان برنامه‌های تلویزیونی و پلتفرم‌های خصوصی، رویکرد خود را بر شفافیت در بیان و صراحت در تحلیل استوار کرده‌اند. آنها برای افزایش ضریب نفوذ و جذابیت، به سراغ چهره‌های معتبر و شناخته‌شده فوتبال می‌روند تا با طرح موضوعات چالشی، به ریشه‌یابی مشکلات بپردازند.

ستاره‌ها در نقش منتقد

در سال‌های اخیر، بویژه در جریان جام‌جهانی ۲۰۲۶، حضور ستاره‌های سابق فوتبال به‌عنوان کارشناس در شبکه‌های تلویزیونی و پلتفرم‌های معتبر جهانی، این روند را بیش از پیش تقویت کرده است. به‌عنوان نمونه، در شبکه FOX Sports چهره‌هایی مانند تیری آنری، زلاتان ابراهیموویچ، کلارنس سیدورف، پیتر اشمایکل و برخی دیگر از بازیکنان سرشناس پیشین، با اتکا به تجربه حضور در سطح اول فوتبال جهان، به تحلیل مسابقات پرداختند. در BBC نیز وین رونی، مایکا ریچاردز، آلن شیرر و جو هارت در بازی‌های مهم، از جمله مراحل پایانی، تحلیل‌های فنی و صریح ارائه کردند. شبکه ITV با حضور گری نویل، روی کین، یان رایت، پاتریک ویرا و خوان ماتا، یکی از صریح‌ترین و چالشی‌ترین فضاهای تحلیلی را شکل داد و در پلتفرم‌هایی مانند CBS نیز جیمی کرگر و مایکا ریچاردز با ترکیبی از تحلیلی فنی و گفت‌وگوهای چالشی، برنامه‌هایی پرمخاطب تولید کردند.

استاندارد جهانی نقد

روند برنامه‌های تولیدشده همزمان با جام جهانی ۲۰۲۶ نشان داد که هیچ تیمی در حاشیه امنیت قرار ندارد و چهره‌های شناخته‌شده، با تکیه بر استانداردهای مدرن فوتبال، مسائل فنی و ساختاری تیم‌ها را به چالش می‌کشند. این کارشناسان، بدون ملاحظات احساسی یا منافع شخصی، به‌صورت شفاف درباره نقاط ضعف تیم‌ها صحبت می‌کنند؛ رویکردی که در سراسر جهان به‌عنوان یک اصل حرفه‌ای پذیرفته شده است. برای مثال، چهره‌هایی نظیر زلاتان ابراهیموویچ و آلن شیرر، به همراه بسیاری از بازیکنان و کارشناسان مطرح فوتبال جهان، در این برنامه‌ها با صراحت به نقد عملکرد تیم‌هایی چون آرژانتین، فرانسه، هلند و آلمان پرداختند. انتقادات آنها اغلب بر محورهایی چون افت کیفیت ساختار دفاعی آرژانتین در برخی دیدارها، ناهمگنی خطوط فرانسه در فاز انتقال، وابستگی بیش از حد هلند به بازی مستقیم و فقدان خلاقیت در خط میانی آلمان متمرکز بود.

مربیان هم منتقد شدند

نکته قابل توجه آن است که این نقدها بدون در نظر گرفتن ملاحظات غیرحرفه‌ای و منافع شخصی مطرح می‌شود و هدف اصلی آن، ارتقای سطح کیفی فوتبال است. در این چارچوب، حتی نقد عملکرد تیم ملی کشور خود این کارشناسان نیز امری طبیعی تلقی می‌شود و هرگز به‌عنوان «حاشیه‌سازی» یا «دشمنی» تعبیر نمی‌گردد، بلکه بخشی از فرآیند حرفه‌ای تحلیل فوتبال به شمار می‌رود. عملکرد برنامه‌های ورزشی در این دوره نشان داد که اساس کار آنها بر مبنای دانش روز فوتبال و بررسی مشکلات واقعی تیم‌های ملی استوار است. به‌عنوان نمونه، مربیانی مانند یورگن کلوپ و ژوزه مورینیو نیز در برنامه‌های تحلیلی معتبر، بدون تعارف به بررسی چالش‌های تیم‌ها پرداختند. کلوپ با تأکید بر فشردگی تقویم مسابقات و تأثیر آن بر اافت بدنی بازیکنان و مورینیو با تمرکز بر ضعف‌های تاکتیکی و تصمیم‌گیری‌های فنی، نشان دادند که نقد صریح، بخشی جدایی‌ناپذیر از فضای حرفه‌ای فوتبال است.

از پذیرش تا تقابل

در ایران نیز برنامه‌های تخصصی تلاش کردند در فضایی متفاوت، به نقد و بررسی عملکرد بازی‌های جام جهانی و تیم ملی فوتبال بپردازند. این برنامه‌ها با سبک‌ها و رویکردهای متنوع روی آنتن رفتند تا پاسخگوی سلیق مختلف مخاطبان باشند. اما اتفاق قابل‌تأملی پس از پایان جام جهانی رخ داد؛ جایی که سرمربی تیم ملی و اعضای کادر فنی، واکنشی تند نسبت به این نقدها نشان دادند؛ به گونه‌ای که سرمربی تیم ملی در اظهاراتی بحث‌برانگیز، منتقدان را با ادبیاتی تند مورد خطاب قرار داد.

این در حالی است که مرور رفتار سایر سرمربیان تیم‌های حاضر در جام جهانی ۲۰۲۶ نشان می‌دهد چنین واکنش‌هایی در سطح حرفه‌ای فوتبال جهان کمتر مشاهده می‌شود. بسیاری از مربیان سرشناس، از جمله روالاند کومان، یولیان ناگلزمان، دیدیه دشان و فاز انتقال، در مواجهه با انتقادات رسانه‌ای رویکردی حرفه‌ای و قابل‌تأمل اتخاذ کردند. دشان پس از انتقاده‌ا



تولیدکنندگان برنامه‌های تلویزیونی و پلتفرم‌های خصوصی، رویکرد خود را بر شفافیت و جذابیت به سراغ چهره‌های معتبر و شناخته‌شده فوتبال می‌روند تا با طرح موضوعات چالشی، به ریشه‌یابی مشکلات بپردازند

با قبول افت هماهنگی تیم فرانسه در برخی دیدارها و با پذیرش بخشی از ضعف‌ها، بر لزوم ایجاد تعادل بهتر میان خطوط دفاع و حمله تأکید کرد. کومان نیز در واکنش به نقدها درباره سبک نسبتاً محافظه‌کارانه تیم ملی هلند، با حفظ آرامش از تصمیمات تاکتیکی خود دفاع کرد و توضیح داد که این رویکرد متناسب با شرایط مسابقه انتخاب شده است.

آرامش در برابر انتقاد

در سوی دیگر، ناگلزمان پس از نتایج ناامیدکننده آلمان، صراحتاً مسئولیت عملکرد تیم را بر عهده گرفت و از نیاز به بازنگری در ساختار فنی و استقفا بهتر از ظرفیت بازیکنان سخن گفت. اسکالونی نیز، با وجود موفقیت‌های آرژانتین در این دوره جام جهانی، در برابر انتقادها نسبت به برخی ناهمگنی‌های دفاعی، بر ضرورت بهبود مستمر تأکید کرده و نشان داد حتی تیم‌های موفق نیز از دایره نقد مستثنی نیستند.

این نوع مواجهه، که مبتنی بر پذیرش نقد،



پاسخگویی منطقی و ارائه توضیح فنی است، نشان‌دهنده درک عمیق از ماهیت حرفه‌ای فوتبال است؛ رویکردی که نقد را نه تهدید، بلکه ابزاری برای پیشرفت تلقی می‌کند و در تضاد آشکار با واکنش‌های احساسی و تقابلی قرار می‌گیرد.

نقد: ابزار پیشرفت نه تهدید

با در نظر گرفتن این واقعیت‌ها، این پرسش اساسی مطرح می‌شود که طرح مشکلات فنی تیم ملی، نه‌تنها امری غیرمنطقی نیست، بلکه در سراسر جهان به‌عنوان یک ضرورت حرفه‌ای پذیرفته شده است. نقد، بازنمایی از واقعیت‌های موجود است و می‌تواند مسیر اصلاح را هموار کند. بنابراین، مواجهه با انتقادات باید بر پایه منطق و پذیرش باشد، نه با استفاده از ادبیات تند و تقلیل‌گرایانه. فوتبال حرفه‌ای، بیش از هر چیز به گفت‌وگوی سازنده و پذیرش دیدگاه‌های متفاوت نیاز دارد؛ مسیری که در نهایت به ارتقای کیفیت و موفقیت در سطح بین‌المللی منجر خواهد شد.

بازتاب‌های یک مسدودی در شبکه‌های اجتماعی

مسدود شدن ناگهانی سایت و پلتفرم «فوتبال ۳۶۰» بازناب گسترده‌ای در میان کاربران فارسی‌زبان شبکه‌های اجتماعی داشت و باعث شد نام عادل فردوسی‌پور و برنامه فوتبال ۳۶۰ به یکی از ترندهای داغ این فضا تبدیل شود. در شبکه «ایکس» نیز موضوع مسدود شدن سایت فوتبال ۳۶۰ به یکی از مهم‌ترین بحث‌های روز بدل شد.

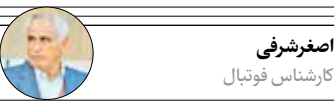
کاربران، چه موافق و چه مخالف فردوسی‌پور و برنامه ۳۶۰، با اشاره به اتفاقات روزهای اخیر- جمله مصاحبه‌های او با علی دایی، کریم باقری و علیرضا فغانی (داور ایرانی- استرالیایی)- و همچنین انتقادهای تند مطرح‌شده از سرمربی تیم ملی، به به شکل‌های مختلف نسبت به این موضوع واکنش نشان دادند. این اتفاقات در شرایطی رقم خورد که عادل فردوسی‌پور شاهگاه دوشنبه، در واکنش به مسدود شدن سایت و اپلیکیشن، اظهار کرد: «ما در فوتبال ۳۶۰ به دنبال روایت واقعی از فوتبال هستیم و با عدالت به موضوعات نگاه می‌کنیم. تعطیلی این برنامه شاید برای من، که دوباره از صفر شروع کردم، طبیعی باشد؛ اما برای تیم تولید فوتبال ۳۶۰ که از جوانان خوش فکر و آیداره‌دهنده تشکیل شده، این اتفاق بسیار سخت است».

او در پایان، در حالی که اشک می‌ریخت، گفت: «ما به کار خودمان ادامه می‌دهیم، چون قرار نیست سکوت کنیم.»

		
همچنین اظهارات سرمربی تیم ملی فوتبال ایران که در مصاحبه‌ای تأکید کرده بود مسئولان پلتفرم «فوتبال ۳۶۰» را اعلام نکرده‌اند.		صحبت می‌کنند، تریبون بدهند. اما تاکنون هیچ‌یک از مراجع ذی‌ربط، علت مسدود شدن پلتفرم «فوتبال ۳۶۰» را اعلام نکرده‌اند.

فراموش نکنیم، آنچه می‌ماند کارنامه ماست

یادداشت



اصغرشرافی

کارشناس فوتبال

نقدپذیری، یکی از ارکان اساسی پیشرفت در هر حوزه‌ای است؛ بویژه در فوتبال که به‌عنوان یک پدیده اجتماعی، متعلق به همه مردم است. ولی به‌نظر می‌رسد برخی افراد، انتقاد را نمی‌پذیرند. بسیاری از انسان‌ها تصور می‌کنند همواره در نقش بازیکن یا مربی باقی می‌مانند، در حالی که این مسیر دیر یا زود به پایان می‌رسد و آنچه باقی می‌ماند، کارنامه و نحوه عملکرد آنهاست. سرمربی تیم

که این پرسش جدی را پیش می‌کشد؛سهم مسئولیت اجتماعی تیم ملی در قبال مردمی که درگیر آسیب‌ها و دشواری‌های مختلف هستند، تا چه اندازه در اولویت قرار داشته است؟ آیا انتظار عمومی، تنها به نتایج ورزشی محدود می‌شود یا نوع مواجهه و همدلی نیز بخشی از این مسئولیت است؟

وقتی خود گارد فنی تأکید دارد که نه اردوها به‌درستی برگزار می‌شود، نه بازی‌های تدارکاتی در سطح مطلوب فراهم است، نه مشکلات پروازی حل شده و نه موانع مدیریتی از میان رفته‌اند، پرسش مهمی که برای افکارعمومی شکل می‌گیرد، این است

که در چنین شرایطی، اصرار بر ادامه حضور روی

نیمکت تیم ملی برای جام ملت‌های آسیا بر چه منطقی استوار است؟

واقعیت آن است که تغییر شرایط، یک شبهه و

معجزه‌آسا رخ نمی‌دهد. نه قرار است به‌جای کمپ تیخوانا، امکاناتی در سطح قدرت‌های بزرگ فوتبال جهان فراهم شود، نه تیم‌های سطح یک دنیا به‌سادگی برای دیدارهای دوستانه مقابل ایران قرار بگیرند و نه ناگهان امکاناتی چون پروازهای اختصاصی مهیا شود. اگر قرار نیست این مشکلات ساختاری حل شود، تداوم این مسیر بدون بازنگری جدی چه توجیهی دارد؟

کاش به‌جای حمله به منتقدان، نقدهای سازنده آنها را به‌عنوان بخشی از راه‌حل پذیرا باشیم. تاریخ فوتبال ایران نشان داده است که اعتبار این ورزش، بیش از هر چیز، مدیون نام‌ها و چهره‌هایی است که مستقل، صادق و پاسخگو بوده‌اند. سرمایه‌ای که اگر نادیده گرفته شود، ثبات مبنی برای ورزش ما نخواهد داشت.

باید پذیرفت که مردم، فوتبال را به‌خوبی می‌فهمند؛ بیش از آن‌که تصور می‌شود و در جهانی که دسترسی به اطلاعات و تحلیل آسان‌تر از همیشه است، دیگر نمی‌توان با روایت‌های یک‌سویه، واقعیت را پنهان کرد.

یادداشت



علی کفاشیان

رئیس اسبق فدراسیون فوتبال

مأموریت رسانه

تعریف و تمجید نیست

درگیری اخیر میان یکی از پلتفرم‌ها با سرمربی تیم ملی فوتبال، بیش از آن‌که واجد ابعاد حرفه‌ای و تحلیلی باشد، رنگ‌وبویی از منازعه‌ای شخصی دارد و از این رو داوری منصفانه درباره آن چندان ممکن نیست. آنچه در این میان اهمیت دارد، بررسی عملکرد سرمربی تیم ملی در شرایطی استثنایی و متفاوت از بسیاری از کشورهاست؛ شرایطی که با محدودیت‌ها و دشواری‌های متعدد همراه بود و حتی فرصت برگزاری دیدارهای تدارکاتی نیز فراهم نشد. ولی تیم ملی تحت هدایت اوآماده حضور در جام جهانی ۲۰۲۶ شد و در نهایت، نتیجه‌ای ضعیف‌تر از ادوار پیشین کسب نکرد.

با وجود این انتقاد از عملکرد تیم ملی امری طبیعی و حتی ضروری است؛ اما آنچه در این مقطع رخ داد، فاصله‌ای معنادار با نقد فنی و اصولی داشت. بخش قابل توجهی از این انتقادات نه بر مبنای تحلیل‌های تخصصی فوتبال، بلکه تحت تأثیر اختلافات و هیجانات شخصی، متوجه فرد سرمربی شد. چنین رویکردی نه‌تنها کمکی به شناسایی و رفع ضعف‌های فنی تیم نمی‌کند، بلکه مسیر اصلاح و پیشرفت را نیز مسدود می‌سازد. قطعاً نقش رسانه صرفاً تمجید و حمایت بی‌چون‌وچرا از تیم ملی نیست؛ بلکه رسالت اصلی آن، ارائه نقدهای فنی، دقیق و سازنده برای ارتقای کیفیت عملکرد تیم است. ولی در بازه زمانی اخیر، آنچه بیش از هر چیز به چشم آمد، پرداختن به حواشی و دامن‌زدن به تنش‌ها بود، نه تحلیل‌های راهگشا. در حالی که انتظار می‌رود رسانه‌ها به تمرکز بر مسائل کلیدی، به تبیین ضعف‌های ساختاری و ارائه راهکارهای عملی بپردازند. نمونه‌ای از این رویکرد تحلیلی، در جلسه وزارت ورزش شکل گرفت جایی که حاضران به موضوعاتی همچون بالا بودن میانگین سنی بازیکنان و فاصله محسوس میان ترکیب اصلی و نیمکت تیم اشاره کردند مسائلی که می‌تواند در آینده به چالش‌های جدی‌تری منجر شود.

در نهایت، عدم استعفاي سرمربی تیم ملی را نیز باید در چارچوب تصمیم‌گیری کلان فدراسیون فوتبال تحلیل کرد. به نظر می‌رسد با توجه به زمان محدود باقی‌مانده تا جام ملت‌های آسیا، فدراسیون ترجیح داده است از ایجاد تغییر در کادر فنی خودداری کرده و با حفظ ثبات، کار را تا پایان این رقابت‌ها به همین سرمربی بسپارد؛ تصمیمی که پیش‌تر نیز در مقاطع مشابه، از سوی فدراسیون‌های گذشته اتخاذ شده بود.

یادداشت



ابراهیم قاسمیپور

مربی پیشین تیم ملی

پذیرش ضعف گامی در مسیر اصلاحات

تیم ملی فوتبال، در بسیاری از کشورهای جهان، تنها یک نهاد ورزشی نیست؛ بلکه سکوی پرتاب برای ارتقای جایگاه اجتماعی و حتی ورود به عرصه‌های غیرورزشی به شمار می‌رود. از همین رو، طبیعی است هنگامی که فردی بدون پشتوانه علمی و مدیریتی لازم به چنین جایگاهی دست می‌یابد، دل‌گندن از آن برایش دشوار باشد. اما آنچه در فضای حرفه‌ای ورزش جهان به‌وضوح دیده می‌شود، پذیرش مسئولیت و پاسخگویی در برابر نتایج است؛ جایی که مربیان و مدیران، در صورت ناگامی، با شهامت عذرخواهی می‌کنند یا از سمت خود کناره می‌روند. واکنش‌های تدافعی و اغلب تند نسبت به انتقادات، نه‌تنها کمکی به بهبود شرایط نمی‌کند، بلکه فاصله میان تیم ملی و افکار عمومی را افزایش می‌دهد. تیم ملی متعلق به همه مردم است و حساسیت نسبت به عملکرد آن، برخاسته از دلسوزی و مطالبه پیشرفت است. طرح نقدهای فنی و اشاره به ضعف‌ها، امری طبیعی و حتی ضروری برای رشد و توسعه محسوب می‌شود. نقش رسانه‌ها نیز در این میان انکارناپذیر است. رسانه وظیفه دارد بدون ملاحظه‌کاری، نقاط قوت و ضعف را بازتاب دهد و زمینه گفت‌وگوی کارشناسی را فراهم سازد. انتظار سکوت یا پرهیز از نقد، به معنای نادیده گرفتن یکی از ارکان اصلی پیشرفت در ورزش حرفه‌ای است.

با نگاهی به کارنامه سال‌های اخیر تیم ملی، پرسشی جدی برای افکارعمومی مطرح می‌شود که دستاورد فوتبال ملی ایران در این مدت چه بوده است؟ عدم حضور طولانی‌مدت در المپیک، ناگامی در کسب جایگاه شایسته در سطح آسیا و نبود موفقیت‌های باشگاهی در عرصه قاره‌ای، نشانه‌هایی است که نمی‌توان از کنار آنها به‌سادگی عبور کرد.

پذیرش نقد، نه نشانه ضعف، بلکه گامی در مسیر اصلاح است؛ مسیری که بدون آن، امید به پیشرفت، بیش از آنکه واقعیت باشد، به آرزو شباهت خواهد داشت.

یادداشت



عبدالله وسی

مربی فوتبال

در اولین حضور رسانه‌ای سرمربی تیم ملی پس از حذف از جام جهانی، آنچه بیش از هر چیز جلب توجه کرد، نه پاسخ به پرسش‌های فنی و نقدهای کارشناسی، بلکه نوع مواجهه‌ای بود که انتقاده‌ا را به «حب و بغض» منتقدان تقلیل می‌داد. گویی مسأله،

نه عملکرد تیم در زمین، بلکه نیت و انگیزه کسانی

است که از بیرون به تحلیل نشستند.

سرمربی تیم ملی کمبود زمان حضور در کمپ تیخوانا را از عوامل اصلی ناگامی عنوان می‌کند؛ ادعایی که با روایت‌های پیشین فدراسیون فوتبال درباره جایگاهی محل اردو و حتی توصیف آن به‌عنوان نمونه‌ای از «دیپلماسی موفق» چندان

همخوان به نظر نمی‌رسد. این ناهمگونی در روایت‌ها، بیش از آن‌که به به روشن شدن حقیقت کمک کند، بر ابهام‌ها می‌افزاید. گلایه از تأخیر در پرداخت پادش‌های چندصد میلیاردی تیم ملی، در شرایطی مطرح می‌شود که در سراسر جهان بوده است. فراگیری این رشته، آن را با میلیاردها علاقه‌مند در تمام نقاط جهان به پدیده‌ای جهانی تبدیل کرده است؛ تا جایی که در عصر معاصر، تحلیلگران و صاحب‌نظران اجتماعی، این ورزش را یکی از تأثیرگذارترین پدیده‌ها در حوزه‌های مختلف قلمداد می‌کنند. مسابقات فوتبال، چه در سطح باشگاهی و چه در عرصه ملی، از چنان اهمیتی برخوردار بوده و هستند که برنامه‌سازان رسانه‌ای با درک جایگاه این حوزه، به تولید میلیون‌ها ساعت برنامه ورزشی برای تحلیل و واکاوی اتفاقات آن پرداخته‌اند؛ تلاشی که با هدف آگاه‌سازی مخاطبان پرشمار این رشته مهیج صورت می‌گیرد تا در جریان تمامی رویدادهای مرتبط قرار گیرند.

از اختلاف تا جذابیت

همانند سایر حوزه‌ها، در این عرصه نیز مخالفان و موافقان بسیاری حضور دارند که با اتکا به دانش و داده‌های اطلاعاتی خود، به نقد و بررسی چالش‌های موجود می‌پردازند؛ روندی که خود به افزایش جذابیت و هیجان حاکم بر فضای این رشته پرمخاطب کمک کرده است. آمار و داده‌های ثبت‌شده توسط متخصصان و نهادهای بین‌المللی معتبر نیز نشان می‌دهد برنامه‌های رسانه‌ای تولیدشده در حوزه فوتبال، در زمره پربیننده‌ترین تولیدات چندرسانه‌ای قرار دارند و از این رو، تأثیرگذاری آنها بر افکار عمومی، بویژه نسل جوان، اهمیتی دوچندان یافته است.

صراحت: رمز موفقیت

نکته کلیدی در جذابیت این برنامه‌ها، صراحت کلام و نقد منطقی معادلات حاکم بر فوتبال است. بر همین اساس، تولیدکنندگان برنامه‌های تلویزیونی و پلتفرم‌های خصوصی، رویکرد خود را بر شفافیت در بیان و صراحت در تحلیل استوار کرده‌اند. آنها برای افزایش ضریب نفوذ و جذابیت، به سراغ چهره‌های معتبر و شناخته‌شده فوتبال می‌روند تا با طرح موضوعات چالشی، به ریشه‌یابی مشکلات بپردازند.

از شایعات در فضای مجازی تا تکذیب وزارت ارتباطات وساترا

چرا «فوتبال ۳۶۰» از دسترس خارج شد؟

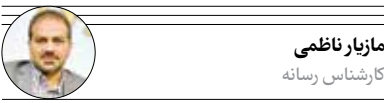
گروه ورزشی / شاهگاه دوشنبه، همزمان با حضور سرمربی تیم ملی فوتبال ایران در یک برنامه تلویزیونی، برنامه‌های اینترنتی ورزشی نیز طبق روال روزهای گذشته، تولیدات خود را

رویکرد خود را بر شفافیت در بیان و صراحت ولی مخاطبان برنامه اینترنتی «فوتبال ۳۶۰» با اتفاقی عجیب روبه‌رو شدند که تماشای این برنامه را با چالش مواجه کرد.

براساس گزارش‌ها، سایت و اپلیکیشن برنامه «فوتبال ۳۶۰» به‌طور ناگهانی از دسترس خارج شد؛ اتفاقی که حتی برای عوامل اجرایی این برنامه نیز غیرمنتظره بود. بعد از این اتفاق عادل فردوسی‌پور، مجری و تهیه‌کننده این برنامه، با چهره‌ای معمو و ناراحت مقابل دوربین ظاهر شد و نسبت به مسدود شدن ناگهانی درگاه اینترنتی و اپلیکیشن این برنامه

رسانه، صدای جامعه است

یادداشت



مازیار ناظمی

کارشناس رسانه

نقد را از رسانه‌ها نگیرید. بحث فقط بر سر یک برنامه ورزشی یا تیم ملی نیست؛ بحث بر سر جایگاه رسانه و حق مردم برای شنیدن صدای منتقدان است. رسانه، خبرنگاری تحقیقی و روزنامه‌نگاری افشاگر، دشمن ورزش غیرمنتظره نیست؛ فسادستیزند، نگاه حقوق مردم‌اند و می‌توانند راهنمای شقیق و دلسوز مسئولان باشند.

اگر یک چارچوب رسانه‌ای نتواند صدای برنامه‌های ورزشی و نقد عملکرد تیم ملی را تحمل کند، چگونه می‌توان به پایداری و استحکام آن امیدوار بود؟

نقدهای سازنده را بپذیریم

یادداشت